

Comparing the Codependency and Marital Satisfaction, between Normal Married Women and on the Verge of Divorce Women

Shiva Mesghali. M.A.

Psychology, University of Gorgan, Iran

Asghar Aghaei. Ph.D.

Academic member Islamic Azad University of Isfahan (Khorasgan)

Maryam Ghorbani. Ph.D.

Psychology, University of Payamnoor

مقایسه هم‌وابستگی و رضایت زناشویی زنان متأهل عادی و در شرف طلاق

شیوا مثقالی*

کارشناس ارشد روان‌شناسی از دانشگاه آزاد گرگان

اصغر آقایی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)

مریم قربانی

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

Abstract

The purpose of this study was to compare the codependency and marriage satisfaction in normal married women and on the verge of divorce women. The study employed a causal-comparative research. The ststisyical population were all normal married women and on the verge of divorce ones. Participants consisted of 50 couples on the verge of divorce, and 50 normal married women which were selected through available sampling. Research tools included Marital Satisfaction Questionnaire (Enrich, 1989) and Codependency Questionnaire (Halivice, 2000). The results of multivariate analysis of covariance showed that there are significant differences between the two groups on the external focus ($P<0.01$), reactivity ($P<0.05$), codependency ($P<0.01$), and marital satisfaction ($P<0.01$). the results indicated that the amount of codependency and its dimensions including external focus, reactivity, codependency and marital satisfaction of women on the verge of divorce are more than normal couples.

Keyword: codependency, external focus, reactivity, marital satisfaction, divorce.

چکیده

هدف این پژوهش مقایسه هم‌وابستگی و رضایت زناشویی زنان متأهل عادی و در شرف طلاق بود. این پژوهش توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری را همه زنان در شرف طلاق و زنان متأهل عادی ساکن شهر اصفهان تشکیل می‌داد. شرکت کنندگان شامل ۵۰ زن متأهل در شرف طلاق و ۵۰ زن متأهل بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه رضایت زناشویی (اینریچ، ۱۹۸۹) و پرسشنامه هم‌وابستگی (هالیوک، ۲۰۰۰) بودند. نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیره نشان داد که بین دو گروه در تمرکز بر خارج ($P<0/01$)، واکنش‌گری ($P<0/05$)، هم‌وابستگی ($P<0/01$) و رضایت زناشویی ($P<0/01$) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین، نتایج نشان داد که میزان هم‌وابستگی و ابعاد آن شامل تمرکز بر خارج، واکنش‌گری، هم‌وابستگی و همچنین رضایت زناشویی زنان در شرف طلاق بیشتر از زنان متأهل عادی است. **واژه‌های کلیدی:** هم‌وابستگی، تمرکز بر خارج، واکنش‌گری، رضایت زناشویی، طلاق.

مقدمه

همچنین برخی از عوامل جمعیت‌شناختی مانند سن، تحصیلات، وضعیت اقتصادی - اجتماعی و وضعیت اشتغال نیز نقش مهمی در تداوم داشتن یا تداوم نداشتن زندگی زناشویی دارند (ساروخانی، ۱۳۷۶؛ احمدی و رئیس‌پور، ۱۳۸۷). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عملکرد خانواده در ایجاد تعارضات زناشویی مؤثر است، همچنین شواهد نشان داده که کیفیت روابط خانوادگی در خانواده‌های طلاق و غیر طلاق متفاوت است (لیندزی، کلول، فرابوت و مک‌کینون^۶ - لویز، ۲۰۰۶). در عین حال میزان گرایش به طلاق، میزان تمایل و علاقه زوج‌ها به جدا شدن از یکدیگر و گسستن پیوند زناشویی طی مراحل قانونی است (بهرامی‌کاکاوند، ۱۳۸۶). زوج‌های در شرف طلاق دو دسته‌اند، یکی کسانی که برای بحران طلاق خواستار کمک هستند و دیگری کسانی که می‌خواهند مسائل زیربنایی را حل کنند (اسپرنگل^۷، ۱۹۸۲). مقصود از مفهوم میل به طلاق میزان تمایل و علاقه‌مندی زوج‌ها به جدا شدن و گسستن روابط زناشویی طی مراحل قانونی است؛ این مفهوم دارای سه بُعد شناختی، عاطفی و رفتاری است، که در بُعد شناختی تصورات فرد در مورد طلاق را در برمی‌گیرد و در بُعد عاطفی شامل احساسات و عواطف مثبت و منفی فرد نسبت به طلاق است، و بُعد رفتاری میزان آمادگی رفتاری فرد را برای طلاق نشان می‌دهد. تصمیم به طلاق نتیجه فشار درونی شدیدی است که حداقل به یکی از همسران وارد می‌شود که ممکن است از طریق برآورده نشدن نیازها یا اهداف، شیوه‌های مقابله‌ای ضعیف، مدیریت حوادث زندگی یا ناتوانی در انتقال احساسات به همسر باشد (یانگ، لانگ^۸، ۱۹۹۸). همچنین طلاق ممکن است ناشی از اختلالات و بیماری‌های روانی باشد. هنگامی که یکی از همسران در ازدواج مبتلا به اختلالات روان‌شناختی گردد، به احتمال زیادی همسرش نیز از این امر متأثر می‌شود. از طرفی اختلالاتی مانند اختلالات شخصیت که به‌طور مشهود در مبتلایان آن، دیده نمی‌شود از عوامل ناسازگاری و تنش‌های زندگی زناشویی خواهند شد (جعفری، صدری و فتحی‌اقدام، ۱۳۸۵). عوامل گوناگونی بر استحکام و دوام خانواده تأثیر می‌گذارند که از جمله آنها رضایت بین زوج‌ها است (عطاری، عباسی سرچشمه، مهرابی‌زاده هنرمند، ۱۳۸۵). آنچه از خود ازدواج و تشکیل خانواده مهمتر به نظر می‌رسد دوام ازدواج و صمیمیت و رضایت زناشویی^۹ است. رضایت زناشویی بر

ازدواج در همه جوامع امری مهم شمرده می‌شود و داشتن زندگی زناشویی موفق تقریباً برای هر کسی یک هدف عمده و آرمانی به‌شمار می‌رود (میرز، ماداتیل، و تینگل^۱، ۲۰۰۵). ازدواج یکی از مهمترین تصمیم‌های تمام زندگی است. قبل از ازدواج قدرت و اختیار در تصمیم‌گیری بسیار است و می‌توان از تشکیل ساختارهای مشکل‌زا دوری کرد، اما پس از ازدواج، هنگامی که ساختارها شکل گرفت، به‌ندرت می‌توان در آن تغییر ایجاد کرد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۸). از طرفی تمام افرادی که می‌خواهند ازدواج کنند، قبل از شروع زندگی زناشویی به تحقق زندگی مشترک موفق و بادوام امیدوارند (اولیا، ۱۳۸۸). اهمیت شناخت و بررسی عواملی که سبب قوام و استحکام این نهاد اجتماعی می‌گردند، گامی مفید در راستای ارتقای سطح فرهنگ جامعه است.

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که طلاق روند صعودی به خود گرفته و نسبت آن به ازدواج در سال رشد نگران‌کننده‌ای داشته است (درویزه و کهکی، ۱۳۸۶). طلاق یک رویداد پیچیده است و از هم‌پاشیدگی بنیان خانواده، تأثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدت مالی، قانونی، فردی و اجتماعی برای فرزندان و بزرگسالان را به همراه دارد. این از هم‌پاشیدگی بر نوع ارتباطات و پذیرش نقش‌های جدید تأثیر می‌گذارد (الدار-اویدان، حاج - یحیی و گرینبام^۲، ۲۰۰۹). این در حالی است که طلاق پیامدهای منفی فراوانی از قبیل خطر فزاینده آسیب روانی، میزان تصادف‌های اتومبیل منجر به مرگ، شیوع فزاینده بیماری جسمی، خودکشی، خشونت، قتل برای زوج‌ها و خطر افسردگی و خودکشی، انزوا و شایستگی پایین، مشکلات تندرستی و عملکرد تحصیلی پایین برای فرزندان به همراه دارد (گاتمن، ۱۹۹۴). برخی از پژوهش‌هایی که در مورد عوامل زمینه‌ساز طلاق صورت گرفته، نشان داده است که یکی از مهمترین و عمیق‌ترین ریشه‌های طلاق، ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی زوج‌هاست. برخی از ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی تنش‌ها و تعارضات را بین زوج‌ها افزایش می‌دهد و تداوم زندگی زناشویی را تهدید می‌کند (واتسون، هوپارد و وایس^۳، ۲۰۰۰؛ دونلان، کانگر و برایانت^۴، ۲۰۰۴؛ ویسمن، یوبه‌لاکر و وین‌استاک^۵، ۲۰۰۷؛ عطاری، امان‌اللهی‌فرد و مهرابی‌زاده، ۱۳۸۵؛ جلیلی، بخشایش و فارسی‌نژاد، ۱۳۸۸).

1. Myers, Madathil & Tingle

3. Watson, Hubbard & Wiese

5. Whisman, Uebelacker & Weinstock

7. Sprnkel

9. marital satisfaction

2. Eldar-Avidan, Haj-Yahia & Grinbam

4. Donnellan, Conger & Bryant

6. Lindsey, Colwell, Frabutt & MacKinnon-Lewis

8. Young, Long

از به کار بستن آنها ناشی می‌شود (سابی^۹، ۱۹۸۷). در نهایت هم‌وابستگی یک اختلال شخصیتی^{۱۱} است که براساس موارد زیر شکل می‌گیرد: نیاز به اداره و مدیریت امور به‌منظور مقابله با پیامدهای نامطلوب شدید، غفلت از نیازهای خود، تحریف حد و مرزهای صمیمیت و جدایی، گرفتار شدن با افراد مشخصی که مبتلا به اختلال هستند و تجلی‌های دیگری از قبیل انکار^{۱۱}، احساسات انباشته شده، افسردگی^{۱۲} و بیماری‌های پزشکی مرتبط با استرس و فشار^{۱۳} (سرماک^۴، ۱۹۸۶). هم‌وابستگی اشتغال ذهنی با زندگی دیگران که حاصل فشارهای روانی است و به رفتارهای ناسازگار منجر می‌شود (مندنهال^{۱۵}، ۱۹۸۹). دیر، روبرت و لانگ^{۱۶} (۲۰۰۵)، یازده تعریف برای هم‌وابستگی عنوان کردند و متوجه شدند که هسته اصلی ویژگی‌های هم‌وابستگی شامل تمرکز بیرونی، ایثار خود، هدایت دیگران و سرکوب احساسات است. هم‌وابستگی با رفتارهای درگیر شدن برای دیگران، مراقبت بیش از حد از دیگران که به جهت مایه گذاشتن از خود برای حفظ احساس امنیت و نگره داشتن روابط است، تعریف می‌شود (سرماک، ۱۹۸۶؛ ولز، گلچاکوف - هوگز، براس^{۱۷}، ۱۹۹۸؛ ولز، هیل، برک، برک و فیستون^{۱۸}، ۲۰۰۶). پژوهش‌های اخیر نشان داده است که ساختار ایجاد هم‌وابستگی با یک رویداد تنش‌زا در خانواده از جمله آزار و اذیت جسمی و جنسی و یا آزار عاطفی، غفلت والدین و یا قرار گرفتن در معرض یک رویداد بسیار آسیب‌زا مرتبط است (لوقاد^{۱۹}، ۱۹۹۱). هم‌وابستگی از الگوهای رفتار ناکارآمد ناشی می‌شود (رایت و رایت^{۲۰}، ۱۹۹۹). پژوهش ولز، گیگاف، هوگز و جونز^{۲۱} (۱۹۹۹) نشان می‌دهد که هم‌وابستگی رفتاری است که براساس یک حس درونی از محرومیت عاطفی و اعتماد به‌نفس پایین شکل می‌گیرد. اعتماد به‌نفس قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده هم‌وابستگی است، افراد با اعتماد به‌نفس پایین بیشتر در معرض ابتلای به داشتن و یا توسعه ویژگی‌های هم‌وابستگی هستند (بیتی^{۲۲}، ۱۹۸۹). خشونت و سوء استفاده والدین از کودک (پارکر،

بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی زوج‌ها تأثیر می‌گذارد و سنگ زیربنای عملکرد خانواده است. رضایت زناشویی فرایندی است که در طول زندگی زن و شوهر به وجود می‌آید، زیرا لازمه آن انطباق سلیقه‌ها، شناخت صفات شخصیتی، ایجاد قواعد رفتاری و شکل‌گیری الگوهای تعاملی است. بنابراین رضایت زناشویی فرایندی تکاملی بین زن و مرد است (احمدی، فتحی‌آشتیانی، عرب‌نیا، ۱۳۸۵). رضایت زناشویی مفهومی گسترده و چندبعدی است که عوامل مختلفی در آن دخیل و تأثیرگذار است. این مفهوم، بخش وسیعی از پژوهش‌های منتشر شده در زمینه زناشویی را به خود داده است (کدیر، دسیلوا، پرینس و خان^۱، ۲۰۰۵). رضایت زناشویی انطباق بین وضعیت موجود فرد در روابط زناشویی با وضعیت مورد انتظار او است (اولیا، ۱۳۸۸). یافته‌های پژوهشی، نشان دهنده آن است که عوامل متعددی در رضایت‌مندی زناشویی تأثیر دارند از جمله: شخصیت (شنورمن، کروک^۲، ۲۰۰۱)؛ تحصیلات و طبقه اجتماعی (جلیلی، ۱۳۷۵؛ مرادی، ۱۳۸۶)؛ عقاید مذهبی (اعرافی، ۱۳۸۵؛ هاشمی، گلشن‌آبادی، ۱۳۸۶)؛ مسائل مالی، علاقه، توجه، حمایت و درک همسر، اشتغال زنان، تعداد فرزندان (ترک، ۱۳۸۵)؛ طول مدت ازدواج (هیوستون، هال و کاتر^۳، ۱۹۸۶)؛ مسائل جنسی (شاملو، ۱۳۸۱)؛ وابستگی شدید زوج‌ها به خویشان و دوستان (ترمن^۴، به نقل از سلیمانان، ۱۳۷۳)؛ روحیه همکاری (گاتمن^۵، ۱۹۹۴)؛ صرف اوقات فراغت با هم (هیوستون و همکاران، ۱۹۸۶) و بالاخره سبک‌های دلبستگی (بانز^۶، ۲۰۰۴) و راهبردهای حل تعارض در زوج‌ها (گاتمن، ۱۹۹۴، ۱۹۹۸). در همین راستا هم‌وابستگی^۷ یک وضعیت چندبعدی (جسمی، ذهنی، عاطفی و معنوی) است که با هرگونه رنج و اختلالی ابراز می‌شود و همراه یا ناشی از تمرکز فرد بر روی نیازها و رفتارهای دیگران است (وایتفیلد^۸، ۱۹۹۱). هم‌وابستگی یک الگوی هیجانی، روان‌شناختی و رفتاری مقابله‌ای است که نتیجه تماس طولانی مدت فرد با مجموعه‌ای از مقررات طاقت‌فرسا است و

1. Qadir, Desilva, Prince & Khan
3. Huston & Hale, Crouter
5. Gottman
7. co-dependence
9. Subby
11. denial
13. pressure
15. Mendenhall
17. Wells, Glickauf-Hughes, Bruss
19. Loughhead
21. Wells, Glickauf-Hughes & Jones

2. Schnurman & Crook
4. Turman
6. Banes
8. Whitfield
10. personality disorder
12. depression
14. Cermak
16. Dear, Roberts & Lange
18. Wells, Hill, Brack, Brack & Firestone
20. Wright & Wright
22. Beattie

خودآزار، وابسته و منفی‌گرا در بین آنها بیشتر از زنان متأهل دیده می‌شود. سونگ نانگ^{۱۳} و همکاران (۲۰۰۹) نشان دادند که افسردگی در زنان مطلقه و بیوه بیشتر از زنان متأهل است و با افزایش سن رابطه مثبت دارد. در پژوهش شازیا^{۱۴} (۲۰۰۸) نتایج نشان داد که میانگین افسردگی، افکار اسکیزوفرنی و اضطراب در زنان مطلقه بیشتر از زنان متأهل بود. همچنین قره‌داغی (۱۳۹۰) در پژوهشی نشان داد که اختلالات شخصیت در زنان مطلقه بیشتر از زنان عادی است. براملت و موثر^{۱۵} (۲۰۰۵) در پژوهشی نشان دادند که اضطراب و مانیا و شخصیت مرزی در زنان و مردان مطلقه بیشتر از افراد متأهل است. آفیف، کاکس، اینز^{۱۶} (۲۰۰۶) در پژوهشی نتیجه گرفتند که مادران مجرد و عادی در بیشتر مقیاس‌ها با هم تفاوتی نداشتند، ولی مادران مطلقه در مقیاس‌های پارانوئید و اضطراب نمرات بالاتری کسب کردند. لورنز، ویسکراما، کانگر، ایلدر^{۱۷} (۲۰۰۶) با مطالعه بر آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت طلاق بر زنان به این نتیجه رسیدند که زنان مطلقه نسبت به زنان متأهل به‌طور معناداری در سالهای اول بعد از طلاق سطوح بالاتری از فشار و پریشانی روانی و در یک‌دهه بعد سطوح بالاتری از بیماری را نشان می‌دهند. ویکراما^{۱۸} و همکاران (۲۰۰۶) با مطالعه بر روی شرایط مالی و سلامت فیزیکی زنان مطلقه نشان دادند که زنان مطلقه نسبت به زنان متأهل سطوح بالاتری از فشار مالی را تجربه می‌کنند و همچنین میزان بالاتری از ضعف خودارزایی سلامتی را نشان می‌دهند. همچنین در مطالعه دیر و روبرتس^{۱۹} (۲۰۰۲)، ارتباط معناداری بین نقش جنسی زنانگی و ویژگی‌های ایثار خود و تمرکز بر خارج نشان داده شد. نتایج پژوهش‌های آماتو، هومان - ماریوت^{۲۰} (۲۰۰۶) روی زنان و مردان مطلقه نشان داد که اختلال شخصیت اسکیزوئید و خودآزار در هر دو جنس و اختلال شخصیت وابسته در زنان بیشتر است. الکرانای و گراهام^{۲۱} (۲۰۰۴) نشان دادند که زنان متأهل از اینکه کسی را داشتند که در مورد مشکلات با او صحبت کنند، احساس خوبی داشتند، در حالی که زنان مطلقه

فالک، لبلو^۱، ۲۰۰۳؛ ریوم و وارد، ۲۰۰۷؛ ریوم، وارد، ویکویتز^۲، ۲۰۱۰؛ تاسی و یو^۳، ۲۰۰۳؛ یو و یو^۴، ۱۹۹۹) و سلامت روحی و جسمی والدین باعث اختلال در رابطه خانواده و رابطه‌ای بین والدین و کودک و به هم‌وابستگی منجر می‌شود (چانگ، ۲۰۱۰؛ چلن و کار^۵، ۱۹۹۹؛ تاسی و یو، ۲۰۰۳). پژوهش‌های کورتز، وارنر^۶ (۱۹۹۶) و فیشر و کرفرود^۷ (۱۹۹۲) نشان می‌دهد که تجربیات دوران کودکی و ناکارآمدی خانواده به رشد صفاتی از هم‌وابستگی مثل تمرکز بیش از حد به دیگران منجر می‌شود. به علاوه اعتیاد والدین و عوامل تنش‌زا در خانواده بر سبک فرزندپروری تأثیر دارد. پژوهش هامبد، دونلان، لاکانو، مک‌گیو و بارت^۸ (۲۰۱۰) نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی زوج‌ها به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده روانی سازگاری زناشویی از اهمیت زیادی برخوردار است. همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهد سازگاری و رضایت زناشویی، بیشترین تأثیر را از ویژگی‌های شخصیتی زوج‌ها دریافت می‌کند (فیشر، مک‌نلی^۹، ۲۰۰۸). لمنز، بایس، هین، ایسلر و دمیتنار^{۱۰} (۲۰۰۷) نشان دادند زوج‌های افسرده نسبت به زوج‌های سالم دارای مشکلات دلبستگی، ارتباطی و رضایت زناشویی پایین‌تری بودند. کانوی، استینر و بارچینال^{۱۱} (۲۰۱۰) در پژوهشی نشان دادند که بین سلامت روان و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد و کسانی که از سلامت روان برخوردارند، از زندگی زناشویی لذت می‌برند. بیرامی، فهیمی، اکبری، امیری پیچاکلابی (۱۳۹۱)، در پژوهشی نشان دادند سبک دلبستگی بر روابط بین فردی زوج‌ها در بزرگسالی تأثیر مستقیم دارد. همچنین اصلانی، صیادی و امان‌اللهی (۱۳۹۱) در پژوهشی دریافتند که بین سبک دلبستگی ایمن با کارکرد خانواده رابطه مثبت وجود دارد. شاکریان، فاطمی، فرهادیان (۱۳۹۰) نشان دادند؛ عامل شخصیتی برونگرایی بیشترین سهم را در پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی ایفا کرد. تریودی، سارن، دیانی^{۱۲} (۲۰۰۹) در پژوهشی نشان دادند زنان مطلقه و بیوه از افسردگی و اضطراب بیشتری رنج می‌برند و الگوی شخصیت

1. Parker, Faulk & LoBello

3. Tsai & Wu

5. Cullen & Carr

7. Fischer & Crawford

9. Fisher & McNulty

11. Kanoy, Steiner & Burchinal

13. Soong-Nang

15. Bramlett & Mother

17. Lorenz, Wickrama, Conger & Elder

19. Dear, Roberts

21. AL-Krenawi & Graham

2. Witkiewitz

4. Wu & Wu

6. Crothers & Warren

8. Humbad, Donnellan, Iacono, McGue & Burt

10. Lemmens, Buysse, Heene, Eisler & Demyttenaere

12. Trivedi & Sareen, Dhyani

14. Shazia

16. Afif, Cox & Enns

18. Wickrama

20. Amato, Hohmann-Marriott

می‌شود. لذا با توجه به این موارد، از آنجا که میزان هم‌وابستگی افراد تأثیر مستقیم بر عملکرد فرد در خانواده و میزان رضایت زناشویی و افزایش تعارضات خانوادگی و بروز طلاق دارد و با توجه به مفاهیم نظری دو مفهوم هم‌وابستگی و رضایت زناشویی و ارتباط تنگاتنگی که با هم دارند، بر این اساس پنج فرضیه زیر مطرح گردید:

- ۱- بین میزان ایثار خود و رضایت زناشویی در دو گروه زنان متأهل در شرف طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۲- بین میزان تمرکز بر خارج و رضایت زناشویی در دو گروه زنان متأهل در شرف طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۳- بین میزان واکنش‌گری و رضایت زناشویی در دو گروه زنان متأهل در شرف طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۴- بین میزان هم‌وابستگی در دو گروه زنان متأهل در شرف طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۵- بین میزان رضایت زناشویی در دو گروه زنان متأهل در شرف طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد؟

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: از آنجا که در این مطالعه هدف مقایسه بین متغیرهای هم‌وابستگی و رضایت زوج‌های در شرف طلاق و عادی است، از روش پژوهش علی-مقایسه‌ای^۱ استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش همه زنان متأهل در شرف طلاق و عادی شهر اصفهان در ۶ ماه اول سال ۱۳۹۲ است. نمونه آماری در گروه آزمایش ۵۰ زن در شرف طلاق بودند که به کلینیک‌های مشاوره، دادگاه خانواده و محضرهای ثبت طلاق مراجعه کرده بودند. گروه گواه را ۵۰ نفر از زنان متأهل عادی تشکیل می‌دادند که شامل تمامی زوج‌های حاضر در اماکن عمومی (پارک، کتابخانه، سینما و مراکز تفریحی) بودند. دو گروه آزمایش و گواه از نظر متغیرهای سن، طول مدت ازدواج، هم‌تاسازی شدند. لازم به ذکر است متغیر تفکیک دو گروه، در شرف طلاق بودن یا نبودن، بوده است. محدوده سنی زوج‌ها بین ۲۰ تا ۵۰ سال در نظر گرفته شد، طول مدت ازدواج بین ۱ تا ۲۰ سال فرض شد. نمونه پژوهش برای هر متغیر و زیر متغیر، حداقل ۱۵ نفر گروه نمونه در نظر گرفته می‌شود (فراهانی، عریضی، ۱۳۸۸). برای دستیابی به نمونه مکفی، به شیوه نمونه‌گیری در دسترس^۲، پرسشنامه‌ها در میان زنان متأهل عادی و در شرف طلاق توزیع گردید.

احساس تنهایی شدیدی را تجربه می‌کنند و میزان اختلالات جسمانی، افکار پارانوئید، وسواسی، افسردگی و اضطراب در آنها بیشتر از زنان متأهل است. کندسون و ترل^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی نشان دادند هم‌وابستگی در بزرگسالی با تعارض در خانواده اولیه ارتباط معناداری دارد. تاور، ورما، سینگ، شارما^۲ (۲۰۱۱)، در پژوهشی نشان دادند رابطه معناداری بین افسردگی و سازگاری زناشویی، هم‌وابستگی و افسردگی و سازگاری زناشویی و هم‌وابستگی وجود دارد. چن و ویو^۳ (۲۰۰۸)، در پژوهشی در تایوان گزارش کردند که ارتباط معناداری بین هم‌وابستگی، نداشتن صمیمیت در ارتباط عاطفی، افزایش تنش و مشکل در روابط، دوسوگرایی و نایمنی در روابط، رفتارهای فدا کردن و ایثار خود، عزت نفس پایین، احساس گناه، عدم سازگاری روان‌شناختی، نشان داده شد. ریوم، وارد، ویتکنز^۴ (۲۰۱۰)، نشان دادند ارتباط معناداری بین هم‌وابستگی و تمایزیافتگی وجود دارد. در پژوهش مکوند، بیگدلی، آقاییگی (۱۳۸۸) نشان داده شد، اضطراب و اختلال در عملکرد اجتماعی مهمترین پیش‌بینی‌کننده هم‌وابستگی است. خسروی، پناغی، احمدآبادی، صادقی (۱۳۹۲) در پژوهشی نشان دادند هم‌وابستگی زنان دارای تحصیلات دانشگاهی، پایین‌تر از سایر زنان است و ناکارآمدی در ارتباطات، رابطه معناداری با هم‌وابستگی دارد. همچنین بین ناکارآمدی خانواده مبدأ و هم‌وابستگی در بین زنان بدون تحصیلات دانشگاهی رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین هرچه میزان هم‌وابستگی افراد بالاتر باشد، گریز عاطفی نیز در آنها بالاتر است (وایتفیلد، ۱۹۹۱). انکار، که یکی از ویژگی‌های افراد هم‌وابسته است موجب می‌شود افراد مشکلاتشان را نادیده بگیرند و یا وانمود می‌کنند که اصلاً مشکلی وجود ندارد و حتی ممکن است خود را سرگرم کارهای دیگر کنند تا درباره مشکل خود نیندیشند. از طرفی هم‌وابستگی رابطه مستقیم و معنی‌داری با هم‌آمیختگی بالاتر با دیگران و هم‌آمیختگی بین زوج‌ها و ابعاد نامنی بزرگسالی دارد. افراد هم‌وابسته به دلیل مقدم دانستن دیگران بر خود و ترس از طرد شدن، یا از ایجاد روابط صمیمانه دوری می‌کنند و یا در ارتباطات خود حریم‌ها و حد و مرزهای سالم برقرار نمی‌کنند و به دیگران اجازه می‌دهند با رفتارهایشان آنها را تحت تأثیر قرار دهند (بیتی، ۲۰۰۵). این الگوی ناکارآمد به تعارض زناشویی، افزایش پدیده طلاق و کاهش سلامت روان در خانواده و در نهایت وجود نداشتن جامعه سالم منجر

1. Knudson & Terrell
3. Chen & Wu
5. causal comparative

2. Talwar, Verma, Singh, Sharma
4. Reyome, Ward & Witkiewitz
6. convenience sampling

ابزار سنجش

پرسشنامه هم‌وابستگی هالیوک^۱: دیر و روبرت^۲ (۲۰۰۰) این پرسشنامه را به منظور اندازه‌گیری ویژگی‌های هم‌وابستگی افراد ساختند. پرسشنامه دارای ۱۳ گزینه و ۳ خرده‌مقیاس ایثار خود، تمرکز بر خارج از خود، و واکنش‌گری است که با مقیاس لیکرت در یک طیف ۵ گزینه‌ای طبقه‌بندی شده است. سه خرده‌مقیاس عبارت‌اند از: ایثار خود^۳: که تمایل به توجه به نیازهای دیگران بیش از نیازهای خود را نشان می‌دهد. تمرکز بر خارج از خود^۴: تمایل به اینکه چگونه شخص از چشم دیگران دیده می‌شود. واکنش‌گری^۵: که تمایل فرد به واکنش در برابر رفتارهای دیگران به جای عمل کردن به شیوه خود را می‌سنجد. در پژوهش دیر (۲۰۰۰) نیز با روش بازآزمایی بعد از سه هفته مقدار آلفای کرونباخ در مقیاس کلی ۰/۸۸ گزارش شد. همچنین شریفی (۱۳۸۴) در پژوهش بر روی زنان با روش بازآزمایی، ضریب آلفای کرونباخ در مقیاس کلی ۰/۸۷ و برای هر سه خرده‌مقیاس به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۷۵، ۰/۸۴ به دست آورد. اسکیان، عابدیان و چنگیزی (۱۳۸۷) بر روی دانشجویان برای مقیاس کلی هم‌وابستگی ۰/۸۲ و برای خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۸۱، ۰/۶۰ گزارش کردند. برای تعیین روایی سازه این ابزار از تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی همراه با چرخش واریماکس استفاده شد. در تحلیل داده‌های پرسشنامه در این مطالعه مقدار ضریب شاخص کفایت نمونه‌گیری (KMO) و آزمون کرویت بارتلت نشان از وجود شواهد کافی برای اجرای روش تحلیل عاملی دارد. مقدار ضریب KMO: ۰/۷۹ و مقدار خی آزمون کرویت بارتلت ۱۰۷۳ محاسبه شد که در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنی‌دار بوده است. برای تعیین تعداد عوامل از معیارهای نمودار اسکری استفاده شد. بدین صورت با توجه به شیب نمودار عوامل آشکار شده در شیب تند نزولی به عنوان عوامل اصلی قلمداد شد و عواملی نادیده انگاشته شد که به صورت موازی در محور خط شیب قرار گرفتند. سپس از روش چرخش واریماکس برای تعیین بارگذاری عاملی هر گویه بر هر عامل با حفظ بارگذاری عاملی بیش از ۰/۳۰ استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی وجود این سه عامل (ایثار خود، تمرکز بر خارج و واکنش‌گری) را تأیید کرد. این سه عامل بیش از ۰/۵۳ واریانس کل را تبیین می‌کنند.

در این پژوهش با استفاده از روش آلفای کرونباخ در مقیاس کلی ۰/۷۵ محاسبه شد و برای هر سه خرده‌مقیاس به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۳، ۰/۶۴ به دست آمد. دو نمونه از سؤالات

پرسشنامه: «اکثر اوقات سعی نمی‌کنم با مردم دوست شوم چون فکر می‌کنم آنها مرا دوست نخواهند داشت». «اول و مهمتر از هر چیز دیگر خانواده است».

پرسشنامه مقیاس زوجی اینریچ^۶: آلسون، فورنیرو و درانکمن^۷ (۱۹۸۹) این پرسشنامه را ساخته‌اند. فورز و آلسون^۸ (۱۹۸۹) از این پرسشنامه برای بررسی رضایت زناشویی استفاده کرده‌اند و معتقدند که این مقیاس نسبت به تغییراتی که در خانواده به وجود می‌آید حساس است. فورز و آلسون (۱۹۸۹) با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی در پژوهش ملی با ۵۰۳۹ زوج نشان دادند که با استفاده از این پرسشنامه می‌توان ۸۵-۰/۹۵ بین زوج‌های خرسند و ناخرسند تمایز قابل شد. سلیمانیان (۱۳۷۳) این پرسشنامه را در ایران به صورت فرم کوتاه ساخته است. آلسون و همکاران (۱۹۸۹) اعتبار فرم ۴۷ سؤالی را با استفاده از روش ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ گزارش کردند. سلیمانیان (۱۳۷۴) پرسشنامه رضایت زناشویی را ترجمه و همبستگی درونی آزمون را ۰/۹۵ گزارش کرده است. همچنین ضریب پایایی آن به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۵ به دست آمد. مهدویان (۱۳۸۶) اعتبار آزمون را با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و با روش بازآزمایی به فاصله یک هفته (برای مردان ۰/۹۳ و برای زنان ۰/۹۴) و برای مردان و زنان (۰/۹۴) به دست آورد. در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ ضریب همبستگی پرسشنامه اینریچ ۰/۷۹ محاسبه گردید.

پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناختی: این آزمون مشخصات عمومی از قبیل سن، مدت زمان ازدواج، مدت آشنایی قبل از ازدواج، شغل و تحصیلات را می‌سنجید.

روش اجرا و تحلیل

برای اجرای پژوهش با حضور در کلینیک‌های مشاوره، دادگاه خانواده و دفترخانه‌های ثبت طلاق و اماکن عمومی (پارک، کتابخانه، سینما و مراکز تفریحی) شهر اصفهان با در نظر گرفتن معیارهای انتخاب نمونه مورد نظر (براساس تشابه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دو گروه)، پس از ارائه توضیحات لازم زنان متأهل همه پرسشنامه‌های پژوهش را به شیوه خود گزارش‌دهی^۹ و به صورت انفرادی تکمیل کردند و نتایج براساس اهداف مورد تحلیل و بحث قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS^{۱۰} استفاده گردید و برحسب اهداف و موضوع پژوهش از تحلیل کوواریانس چندمتغیره (آزمون مانوا) استفاده شد.

1. Holyock Codependency Index (HCI)
3. self sacrifice
5. reactivity
7. Olson, Forniro & Drankman
9. self-report

2. Dear & Roberts
4. external focus
6. ENRICH Couple Scales
8. Fowers, Olson
10. Statistical Package for Social Science

یافته‌ها

در نمونه پژوهش؛ بیشترین فراوانی مربوط به افراد با تحصیلات لیسانس ۴۳ درصد، گروه سنی ۲۸ تا ۳۱ سال؛ ۲۷ درصد، با مدت ازدواج ۶ تا ۸ سال و ۹ تا ۱۱ سال معادل ۲۶ نفر، بدون آشنایی قبلی پیش از ازدواج؛ معادل ۳۴ درصد و کمترین فراوانی مربوط به افراد دارای تحصیلات بالاتر از لیسانس ۱۱ درصد، گروه سنی ۳۲ تا ۳۵ سال ۱۳ درصد با مدت ازدواج ۲ سال و کمتر از آن، ۸ درصد و با مدت آشنایی پیش از ازدواج ۴ تا ۶ ماه و ۷ تا ۹ ماه ۴ درصد بوده است. در این قسمت ابتدا به نتایج حاصل از آمار توصیفی متغیرهای پژوهش پرداخته شده است. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف معیار هم‌وابستگی و رضایت زناشویی زنان در شرف طلاق و عادی قبل از بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی (تحصیلات، جنسیت، طول مدت ازدواج و آشنایی پیش از ازدواج) ارائه شده است. همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، در گروه زنان در شرف طلاق میانگین ایتار خود ۱۵/۶۳، تمرکز بر خارج ۱۵/۶۶، واکنش‌گری ۹/۴۴ و هم‌وابستگی ۴۰/۸۲ و رضایت زناشویی ۱۲۸/۰۰ و در گروه عادی میانگین این ویژگی‌ها به ترتیب ۱۵/۰۲، ۱۳/۰۲، ۸/۰۶، ۳۶/۲ و ۱۷۰/۰۲ محاسبه شده است. در بررسی نمرات هم‌وابستگی و رضایت زناشویی زنان در شرف طلاق و عادی از آزمون چندمتغیری (مانوا) استفاده گردید. در این تحلیل سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی (تحصیلات، جنسیت، طول مدت ازدواج و آشنایی پیش از ازدواج) بررسی شده است.

قبل از انجام آزمون‌های فرضیه‌های پژوهش ابتدا طبیعی بودن توزیع داده‌ها با آزمون شاپیرو ویلک مورد بررسی قرار گرفت که نتایج این آزمون در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

جدول ۲- آزمون شاپیرو ویلک برای بررسی طبیعی بودن توزیع داده‌ها

متغیرها	آماره	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
ایتار خود	۰/۷۱۵	۹۹	۰/۳۴
تمرکز بر خارج	۰/۶۴۳	۹۹	۰/۱۹
واکنش‌گری	۰/۶۲۲	۹۹	۰/۱۶
هم‌وابستگی	۰/۶۸۲	۹۹	۰/۲۱
رضایت زناشویی	۰/۷۰۱	۹۹	۰/۲۸

همچنین پیش‌فرض تساوی واریانس‌های دو گروه در تمام ابعاد (ایتار خود، تمرکز بر خارج، واکنش‌گری، هم‌وابستگی، رضایت زناشویی) رد نشد که نتایج این آزمون در جدول ۳ مشاهده می‌گردد.

جدول ۳- آزمون لوین - همگنی واریانس هم‌وابستگی و رضایت زناشویی زنان در شرف طلاق و عادی

متغیر	شاخص F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
ایتار خود	۱/۷۳۶	۱	۹۸	۰/۰۹۶
تمرکز بر خارج	۰/۰۰۳	۱	۹۸	۰/۹۵۶
واکنش‌گری	۰/۷۲۲	۱	۹۸	۰/۳۹۸
هم‌وابستگی	۱/۱۴۸	۱	۹۸	۰/۲۸۷
رضایت زناشویی	۱/۵۹۲	۱	۹۸	۰/۰۷۰

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار هم‌وابستگی و خرده‌مقیاس‌های (ایتار خود، تمرکز بر خارج، واکنش‌گری) و رضایت زناشویی زنان در شرف طلاق و عادی قبل از بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار
ایتار خود	در آستانه طلاق	۱۵/۳۶	۴/۴۲۰۵۵
	عادی	۱۵/۱	۲/۹۴۳۳۴
تمرکز بر خارج	در آستانه طلاق	۱۵/۶۶	۴/۸۱۷۵۳
	عادی	۱۳/۰۵	۴/۴۹۷۱۲
واکنش‌گری	در آستانه طلاق	۹/۴۴	۳/۶۴۸۶۵
	عادی	۸/۰۶	۲/۹۰۲۵۷
هم‌وابستگی	در آستانه طلاق	۴۰/۸۲	۱۰/۴۰۹۳۶
	عادی	۳۶/۲	۸/۴۳۲۲
رضایت زناشویی	در آستانه طلاق	۱۲۸/۰۰	۳۲/۷۵۲۸۵
	عادی	۱۷۰/۰۲	۲۲/۹۷۴۰۲

تعداد = ۵۰

جدول ۴- نتایج آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیری (مانوا) برای مقایسه دو گروه زنان در شرف طلاق و عادی با توجه به هم‌وابستگی و رضایت زناشویی

منبع	متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	ضریب اتا	توان آماری
مدت ازدواج	ایثار خود	۲۷/۱۳۳	۱	۲۷/۱۳۳	۲/۲۴۰	۰/۱۳۸	۲/۲۴۰	۰/۳۱۶
	تمرکز بر خارج	۶۳/۳۸۹	۱	۶۳/۳۸۹	۳/۶۹۴	۰/۰۵۸	۳/۶۹۴	۰/۴۷۷
	واکنش‌گری	۲۶/۷۱۱	۱	۲۶/۷۱۱	۲/۸۰۴	۰/۰۹۷	۲/۸۰۴	۰/۳۸۱
	هم‌وابستگی	۲۴۶/۱۹۲	۱	۲۴۶/۱۹۲	۳/۴۹۸	۰/۰۶۵	۳/۴۹۸	۰/۴۵۷
	رضایت زناشویی	۰/۵۵۴	۱	۰/۵۵۴	۰/۰۰۱	۰/۹۷۸	۰/۰۰۱	۰/۰۵۰
مدت آشنایی	ایثار خود	۸/۹۱۴	۱	۸/۹۱۴	۰/۷۳۶	۰/۳۹۳	۰/۷۳۶	۰/۱۳۶
	تمرکز بر خارج	۵/۳۰۶	۱	۵/۳۰۶	۰/۳۰۹	۰/۵۷۹	۰/۳۰۹	۰/۰۸۵
	واکنش‌گری	۳۴/۴۳۴	۱	۳۴/۴۳۴	۳/۶۱۵	۰/۰۶۰	۳/۶۱۵	۰/۴۶۹
	هم‌وابستگی	۳۸/۳۳۵	۱	۳۸/۳۳۵	۰/۵۴۵	۰/۴۶۲	۰/۵۴۵	۰/۱۱۳
	رضایت زناشویی	۲۲۰۳/۱۷۹	۱	۲۲۰۳/۱۷۹	۳/۰۵۰	۰/۰۸۴	۳/۰۵۰	۰/۴۰۹
شغل	ایثار خود	۴۸/۰۶۴	۱	۴۸/۰۶۴	۳/۹۶۸	۰/۰۵۱	۳/۹۶۸	۰/۵۰۵
	تمرکز بر خارج	۲۰۸/۱۱۵	۱	۲۰۸/۱۱۵	۱۲/۱۲۹	۰/۰۰۱	۱۲/۱۲۹	۰/۹۳۱
	واکنش‌گری	۲۷/۱۳۰	۱	۲۷/۱۳۰	۲/۸۴۸	۰/۰۹۵	۲/۸۴۸	۰/۳۸۶
	هم‌وابستگی	۶۹۵/۷۸۶	۱	۶۹۵/۷۸۶	۹/۸۸۷	۰/۰۰۲	۹/۸۸۷	۰/۸۷۵
	رضایت زناشویی	۵۲۴۳/۳۷۱	۱	۵۲۴۳/۳۷۱	۷/۲۵۹	۰/۰۰۸	۷/۲۵۹	۰/۷۶۰
تحصیلات	ایثار خود	۲۱/۲۴۳	۱	۲۱/۲۴۳	۱/۷۵۴	۰/۱۸۹	۱/۷۵۴	۰/۲۵۹
	تمرکز بر خارج	۱۱۱/۵۵۵	۱	۱۱۱/۵۵۵	۶/۵۰۲	۰/۰۱۲	۶/۵۰۲	۰/۷۱۳
	واکنش‌گری	۱۱/۳۰۶	۱	۱۱/۳۰۶	۱/۱۸۷	۰/۲۷۹	۱/۱۸۷	۰/۱۹۰
	هم‌وابستگی	۹۰/۳۱۴	۱	۹۰/۳۱۴	۱/۲۸۳	۰/۲۶۰	۱/۲۸۳	۰/۲۰۲
	رضایت زناشویی	۸۷/۸۶۲	۱	۸۷/۸۶۲	۰/۱۲۲	۰/۷۲۸	۰/۱۲۲	۰/۰۶۴
گروه	ایثار خود	۰/۰۳۱	۱	۰/۰۳۱	۰/۰۰۳	۰/۹۵۹	۰/۰۰۳	۰/۰۵۰
	تمرکز بر خارج	۱۰۳/۳۸۵	۱	۱۰۳/۳۸۵	۶/۰۲۵	۰/۰۱۶	۶/۰۲۵	۰/۶۸۱
	واکنش‌گری	۵۴/۳۸۶	۱	۵۴/۳۸۶	۵/۷۱۰	۰/۰۱۹	۵/۷۱۰	۰/۶۵۷
	هم‌وابستگی	۳۶۹/۴۷۳	۱	۳۶۹/۴۷۳	۵/۲۵۰	۰/۰۲۴	۵/۲۵۰	۰/۶۲۱
	رضایت زناشویی	۳۹۳۳۳/۴۷۳	۱	۳۹۳۳۳/۴۷۳	۵۴/۴۵۳	۰/۰۰۰	۵۴/۴۵۳	۱/۰۰۰

جدول ۵- میانگین و انحراف معیار هم‌وابستگی و رضایت زناشویی زنان در شرف طلاق و عادی بعد از بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی

متغیر	گروه	تعداد	میانگین
ایثار خود	در آستانه طلاق	۵۰	۱۵/۲۱۲
	عادی	۵۰	۱۵/۲۴۸
تمرکز بر خارج	در آستانه طلاق	۵۰	۱۵/۳۹۰
	عادی	۵۰	۱۳/۲۹۰
واکنش‌گری	در آستانه طلاق	۵۰	۹/۵۱۱
	عادی	۵۰	۷/۹۸۹
هم‌وابستگی	در آستانه طلاق	۵۰	۴۰/۴۹۵
	عادی	۵۰	۳۶/۵۲۵
رضایت زناشویی	در آستانه طلاق	۵۰	۱/۲۸۷E۲
	عادی	۵۰	۱/۶۹۶E۲

نتایج تحلیل در جدول ۴ نشان داد بین دو گروه (زنان در

شرف طلاق و عادی) در تمرکز بر خارج ($P < 0/01$)، واکنش‌گری ($P < 0/05$)، هم‌وابستگی ($P < 0/01$) و رضایت زناشویی ($P < 0/01$) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. اما بین دو گروه (زنان در شرف طلاق و عادی) در بعد ایثار خود تفاوت معنی‌دار نبود ($P < 0/05$). همچنین در بعد تمرکز بر خارج، هم‌وابستگی و رضایت زناشویی زنان بر اساس اشتغال و نیز تمرکز بر خارج زنان بر اساس تحصیلات تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بر اساس نتایج فرضیه‌های فرعی دوم، سوم، چهارم و پنجم تأیید شدند و فرضیه فرعی اول مورد تأیید قرار نگرفت.

در جدول ۵ میانگین و انحراف معیار هم‌وابستگی و رضایت زناشویی دو گروه بعد از بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی (تحصیلات، جنسیت، طول مدت ازدواج و آشنایی پیش از ازدواج) ارائه شده است.

همان‌گونه که جدول ۵ نشان می‌دهد، بعد از بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی در گروه زنان در شرف طلاق میانگین ایثار خود ۱۵/۲۱۲، تمرکز بر خارج ۱۵/۳۹۰، واکنش‌گری ۹/۵۱۱، هم‌وابستگی ۴۰/۴۹۵، و رضایت زناشویی ۱/۲۸۷E۲ و در گروه عادی میانگین این ویژگی‌ها به ترتیب ۱۵/۲۴۸، ۱۳/۲۹۰، ۷/۹۸۹، ۳۶/۵۲۵ و ۱/۶۹۶E۲ محاسبه شده است. میانگین در گروه زنان متأهل عادی نسبت به گروه زنان در شرف طلاق بالاتر بود.

نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که بیماری روانی، میزان

افسردگی و اضطراب در زنان مطلقه با زنان مجرد و متأهل

تفاوت معناداری دارد. پژوهش‌های تریودی و همکاران (۲۰۰۹)؛ سونگ نانگ و همکاران (۲۰۰۹)؛ شازیا (۲۰۰۸)؛

قره‌داغی (۱۳۹۰)؛ نشان داده است که زنان مطلقه و بیوه از

افسردگی و اضطراب بیشتری نسبت به زنان متأهل رنج می‌برند

و اختلال شخصیت و بیماری روانی در آنها نسبت به زنان عادی بیشتر است. در مطالعات براملت و موثر (۲۰۰۵)؛ آماتو

(۲۰۰۶)؛ نشان داده شد که زنان مطلقه در متغیرهای الگوهای

بالینی شخصیت شامل اسکیزوئید، افسرده، وابسته و وسواسی

منفی‌گرا و وابسته‌اند و در متغیرهای الگوهای بالینی شدید

شخصیت شامل پارانوئید از شخصیت مرزی برخوردار بودند.

می‌کنند و یا در ارتباطات خود حریم‌ها و حد و مرزهای سالم برقرار نمی‌کنند و به دیگران اجازه می‌دهند با رفتارهایشان آنها را تحت تأثیر قرار دهند. فرد با خصوصیات هم‌وابستگی با تمرکز افراطی به دیگران، بیان نکردن احساسات و معنای شخصی به‌دست آمده از ارتباط با دیگران صمیمیت کمتری را در ارتباطات خود تجربه می‌کند؛ و تمایل بالاتری را برای درگیری در رابطه و همچنین احساس رضایت پایین‌تری را ابراز می‌کند. همچنین در مطالعه دیر و روبرت (۲۰۰۲)، ارتباط معناداری بین نقش جنسیتی زنانگی و ایثار خود و تمرکز بر خارج نشان داده شد. بنابراین زنان با ویژگی‌های هم‌وابستگی؛ با وسواس به توجه و تمرکز به نیازها و خواسته‌های همسر و فرزندان و نادیده گرفتن نیازهای عاطفی، جسمانی دچار کمبود و خلأ عاطفی و روانی می‌شوند. از طرفی با ابراز وجود نکردن و واکنش‌های ناکارآمد موجبات ایجاد تنش در فضای خانواده را فراهم می‌کنند که و مشکلات بین فردی و زناشویی پدید می‌آید. این زنان مشکل را در همسر و خانواده جست‌وجو می‌کنند که راه را برای انعطاف‌پذیری در برخورد با مسائل و جست‌وجوی راه حل در خودشان می‌بندد. در نتیجه این عوامل، بیشتر در معرض تعارضات بین فردی و زناشویی قرار می‌گیرند و برای گرایش به طلاق مستعدتر هستند. از آنجا که هم‌وابستگی به‌عنوان یک اختلال شخصیت به بروز اختلال در سلامت روانی و جسمی فرد منجر می‌شود، می‌توان نتیجه‌گیری کرد میزان بالای هم‌وابستگی به‌عنوان اختلال شخصیت موجب بروز تعارضات و مشکلات ارتباطی، نداشتن حد و مرزهای کارا در روابط صمیمی و زناشویی، مشکلات در ارتباطات عاطفی، جنسی، خانوادگی و اجتماعی زوج‌ها می‌شود که به طلاق و گسستگی خانواده منجر خواهد شد. این پژوهش با محدودیت‌هایی نظیر انتخاب نمونه از جامعه زنان، محدود بودن نمونه به شهر اصفهان، بررسی نکردن سایر متغیرهای مؤثر بر طلاق مواجهه بوده است. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود برای دستیابی به دیدگاهی روشن‌تر از مفهوم هم‌وابستگی و تأثیر آن بر فرد، خانواده و جامعه ایرانی، بررسی‌های بیشتری در این باره صورت گیرد، همچنین برای آشنایی و آگاهی در سطح جامعه پیشنهاد می‌شود مبحث هم‌وابستگی در برنامه‌های آموزشی و درمانی برای مشاوران خانواده، زوج درمانگران، دانشجویان و افراد علاقه‌مند در مراکز مشاوره و روان‌شناسی، دانشگاهها، آموزش و پرورش، مراکز بهزیستی، انجمن‌های خودیاری و رسانه‌های گروهی به‌کار گرفته شود. از سوی دیگر، به‌کارگیری یافته‌های این پژوهش

همچنین مطالعات ویکراما و همکاران (۲۰۰۶)؛ کرونای و گراهام (۲۰۰۴)؛ باتر (۲۰۰۷)؛ آیف و همکاران (۲۰۰۶)؛ لورنز و همکاران (۲۰۰۶)؛ که با هدف مطالعه بر آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت طلاق بر زنان انجام گرفت؛ نشان داد که زنان مطلقه نسبت به زنان متأهل سطوح بالاتری از فشار مالی را تجربه می‌کنند و همچنین میزان بالاتری از ضعف خودارزیابی سلامتی را نشان می‌دهند، همچنین میزان اختلالات جسمانی شکل، افکار پارانوئید، وسواسی، افسردگی و اضطراب در آنها بیشتر از زنان متأهل است و نشان می‌دهد که زنان مطلقه نسبت به زنان متأهل به‌طور معناداری در سالهای اول بعد از طلاق سطوح بالاتری از فشار و پریشانی روانی و در یک‌دهه بعد سطح بالاتری از بیماری را نشان می‌دهند. در تبیین یافته‌های به‌دست آمده می‌توان بیان کرد که میزان اختلالات شخصیت و بیماری‌های روانی در بین زنان مطلقه با زنان مجرد و متأهل تفاوت معناداری دارد، که به‌طور مستقیم بر عملکرد فرد در نقش همسر و مادر تأثیر خواهد داشت و در نتیجه با کاهش رضایت زناشویی و افزایش تعارضات همراه است که به طلاق منجر خواهد شد. ارتباط میان اختلالات روان‌شناختی و نارضایت زناشویی در بیماران متأهلی که طیف وسیعی از مشکلات روان‌شناختی را تجربه می‌کنند به اثبات رسیده است. برخی از ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی تنش‌ها و تعارضات را بین زوج‌ها افزایش می‌دهد و تداوم زندگی زناشویی را تهدید می‌کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد سازگاری و رضایت زناشویی، بیشترین تأثیر را از ویژگی‌های شخصیتی زوج‌ها دریافت می‌کند و رابطه بین ویژگی‌های روانی و شخصیتی با تمایل به طلاق و تعارضات زناشویی متقابل است (فیشر و مک‌نلی، ۲۰۰۸). هم‌وابستگی رفتاری اکتسابی است و به‌صورت وابستگی به افراد یا اشیای خارج از خود جلوه می‌کند و شامل غفلت از خود و کاهش هویت فردی می‌شود. خود کاذبی که در هم‌وابستگی شکل می‌گیرد به‌صورت عادات و وسواسی اجباری، اعتیاد و اختلالات دیگر که موجب بیگانگی فرد با هویتش شده و احساس شرمندگی را پرورش می‌دهند، بروز می‌کند که با نشانه‌های انکار / هذیان (اختلال فکری)، سرکوبی هیجانی (اختلال احساسی) و وسواس عملی (اختلال رفتاری)، توأم با دو نشانه فرعی عزت نفس پایین و مشکلات پزشکی نمایان می‌شود (وگسیدر، کراس و کراس، ۱۹۹۰). هم‌وابستگی به الگوی رفتاری ناکارآمدی در روابط بین زوج‌ها منجر می‌شود. افراد هم‌وابسته به دلیل مقدم دانستن دیگران بر خود و ترس از طرد شدن، یا از ایجاد روابط صمیمانه دوری

جلیلی، ف. (۱۳۷۵). بررسی عوامل مؤثر بر رضایتمندی زناشویی در زنان شاغل و خانه‌دار. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده*، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

جلیلی، ف.، بخشایش، ع.ر.، و فارسی‌نژاد، م. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و رفتار همسرآزادی. *چکیده مقالات پنجمین همایش مشاوره اسلامی، مؤسسه مطالعاتی مشاوره اسلامی، قم*. ص ۱۵۶ تا ۱۵۷.

درویزه، ز.، و کهکی، ف. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سازگاری زناشویی و بهزیستی روانی، *فصلنامه مطالعات زنان، سال ششم*، ص ۹۲ تا ۱۰۴.

خسروی، ن.، پناغی، ل.، احمدآبادی، ز.، صادقی، م. (۱۳۹۲). رابطه بین ناکارآمدی خانواده‌مبدأ و وابستگی متقابل زنان: نقش تعدیل‌کننده تحصیلات دانشگاهی، *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، سال هفتم، شماره ۱(۲۵)*، ۱۰۰-۸۵.

ساروخانی، ب. (۱۳۷۶). *طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن*، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

سلیمانیان، ع. (۱۳۷۳). بررسی تفکرات غیرمنطقی بر نارضایتی زناشویی، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده*، دانشگاه علامه طباطبایی.

شاکریان، ع.، فاطمی، ع.، فرهادیان، م. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با رضایتمندی زناشویی، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، دوره شانزدهم*، ص ۹۲ تا ۹۹.

شاملو، س. (۱۳۸۱). *بهداشت روانی*، چاپ هفتم، تهران: انتشارات رشد. شریفی، ش. (۱۳۸۴). مقایسه هم‌وابستگی در زنان با نقش‌های جنسیتی گوناگون، *پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۱*، ص ۴۹ تا ۶۷.

عطاری، ی.، امان‌اللهی‌فرد، ع.، و مهرابی‌زاده، م. (۱۳۸۵). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز، *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال سیزدهم، شماره ۱*، ص ۸۱ تا ۱۰۸.

قره‌داغی، م. (۱۳۸۹). مقایسه اختلالات شخصیت (الگوهای بالینی شخصیت و الگوهای بالینی شدید شخصیت) بین زنان مطلقه و عادی شهرستان شوشتر، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز. ص ۷۱ تا ۸۴.

مرادی، ف. (۱۳۸۶). رابطه ویژگی‌های شخصیتی با رضایتمندی زناشویی، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده*، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.

مکوندحسینی، ش.، بیگدلی، ا.، آقابیگی، آ. (۱۳۸۸). وابستگی متقابل و سلامت روان در همسران افراد دچار سوء مصرف مواد اپیوئیدی، *مجله روان‌شناسی بالینی، سال اول، شماره ۲*، ص ۷۱ تا ۷۹.

میرمحمدصادقی، م. (۱۳۸۸). *آموزش پیش از ازدواج*، سازمان بهزیستی معاونت امور فرهنگی و پیشگیری، اصفهان.

هاشمی گلشن‌آبادی، س. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر روش‌های حل تعارض بر رضایت زناشویی زنان و مردان متأهل ساکن شهر تهران، *پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز*.

وایتفیلد، ج. (۱۹۹۱). *هم‌وابستگی: رهایی از وضعیت بشری*، ترجمه حسام‌الدین معصومیان شرقی، چاپ اول، تهران: نشر فارابی حکیم.

در آموزش مشاوران و روان‌شناسان، و نیز در کارهای بالینی سودمند خواهد بود. همچنین مشاوران خانواده و زوج درمانگران در مشاوره پیش از ازدواج، زوج‌ها را از نظر خصوصیات هم‌وابستگی مورد سنجش قرار دهند و از روش‌های درمانی برای کاهش هم‌وابستگی بهره گیرند. همچنین آموزش راهکارهای کاهش میزان هم‌وابستگی همسران به‌عنوان یکی از مداخلات روانی - آموزشی بر سایر مداخلات مشاوره‌ای افزوده شود. ضمن آنکه به نظر می‌رسد پژوهش در این باره که چگونه هم‌وابستگی به‌عنوان اختلال شخصیت بر روابط زوج‌ها تأثیر می‌گذارد، از جنبه نظری و کاربردی اهمیت زیادی دارد. انجام پژوهش‌های بیشتری در زمینه تأثیر هم‌وابستگی بر ازدواج لازم است تا درک بیشتری در این زمینه حاصل شود.

منابع

احمدی، خ.، فتحی‌آشتیانی، ع.، عرب‌نیا، ع. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین تقیدات مذهبی و سازگاری زناشویی، *فصلنامه خانواده‌پژوهشی، سال دوم، شماره ۵*.

احمدی، ج.، رئیس‌پور، ح. (۱۳۸۷). بررسی رابطه رضایت زناشویی با متغیرهای مهارت‌های ارتباطی همسران، جنس، تعداد فرزندان و سطح تحصیلات همسر، *چکیده مقالات همایش منطقه‌ای ازدواج و خانواده شهرکرد*.

اصلانی، خ.، صیادی، ع.، امان‌اللهی، ع. (۱۳۹۱). *رابطه بین سبک‌های دلبستگی با کارکرد خانواده و سلامت عمومی، دانشگاه شهید چمران اهواز*.

اعرافی، ع. (۱۳۸۵). *اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*. تهران: انتشارات سمت.

اولیاء، ن. (۱۳۸۸). *آموزش غنی‌سازی زندگی زناشویی*، چاپ اول، انتشارات دانژه، تهران.

بهرامی‌کاکوند، س. (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناسی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه)، *پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۳*، ص ۱۰۹ تا ۱۴۰.

بیتی، م. (۱۳۸۶). *هم‌وابستگی دیگر بس است*، ترجمه نسرين سلامت، چاپ دهم، تهران: انتشارات لیوسا (سال انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۵).

بیرامی، م.، فهیمی، ص.، اکبری، ا.، امیری‌پیچاکلابی، ا. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های تمایز یافتگی، *مجله اصول بهداشت روانی، سال چهاردهم، ص ۶۴ تا ۷۷*.

ترک، م. (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی در پایین شهر، *پایان‌نامه کارشناسی چاپ نشده*، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

جعفری، ا.، صدری، ج.، و فتحی‌ا قدم، ق. (۱۳۸۵). رابطه بین کارایی خانواده و دیدناری و سلامت روان و مقایسه آن بین دانشجویان دختر و پسر. *مجله تازه‌ها و پژوهش‌ها*، ۹(۲۲)، ص ۱۱۱۶-۱۰۷.

- AL-Krenawi, A. & Graham. J.R. (2004). Somatization among Bedouin-Arab women. *Journal of Divorce & Remarriage*, 42: 131-143
- Amato, P.R., & Hohmann-Marriott, B. (2007). A Comparison of high-and low Distress marriages that end in divorce. *Journal of Marriage and Family*, 69: 621-638
- Afif, T.O., Cox, B.J. & Enns, M.W. (2006). Mental health Profiles among married, never- married, and separated /divorced mothers in a nationally representative sample. *Soc Psychiatry Psychiatr Epidemiol*, 41: 122-129.
- Beattie, M. (1989). *Beyond Codependency: And Getting Better All the Time*, Paperback
- Bramlett, M.D., & Mother, W.D. (2005). chabitation, marriage, divorce, and remarriage in the united states. Vital health statistics, series 23, Namber 2. Hyattsville, MD: *National Center For Health Statistics*.
- Cermak, T. (1986). *Diagnosing and treating codependence*. Minneapolis, MN: Johnson Institute Books.
- Chang, S.H. (2010). *Codependency among College Students in the United States and Taiwan: A cross-cultural study*. A dissertation presented to the faculty of The Gladys W. and David H. Patton College of Education and Human Services of Ohio University, In partial fulfillment of the equirements for the degree Doctor of Philosophy.
- Chen, S.C., & Wu, L. (2008). Study on relationships among codependency, selfemotions and love relationship quality. *Bulletin of Educational Psychology*, 40, 153-178
- Crothers, M., & Warren, L.W. (1996). Parental antecedents of adult codependency. *Journal of Clinical Psychology*, 52: 231-239.
- Cullen, J., & Carr, A. (1999). Codependency: An empirical study from a systemic perspective. *Contemporary Family Therapy*, 21:505-526.
- Dear, G.E., Roberts, C.M. (2000). The Holyoake Codependency Index: investigation of the factor structure and psychometric properties. *Psychological Reports*: 87: 991-1002.
- Dear, G.E., Roberts, C.M., & Lange, L. (2005). Defining codependency: A thematic analysis of published definitions. *Advances in Psychology*, 34: 189-205.
- Donnellan, B.M. Conger, R.D., & Bryant, C.M. (2004). The big five and enduring marriages. *Journal of Research in Personality*, 38: 481-504.
- Eldar-Avdan., Haj-Yahia, M. & Grinbam, W. (2009). Divorces is a part of my life resilience, survival, and vulnerability: Young adults' perception of the implications of parental divorce. *Journal of Marital and Family Therapy*.
- Fischer, J.L., & Crawford, D.W. (1992). Codependency and parenting styles. *Journal of Adolescent Research*, 7: 352-363.
- Fisher, TD., McNulty, JK. (2008). Neuroticism and marital satisfaction: the mediating role played by the sexual relationship. *Journal Family Psychology*, 22(1):112-22
- Gottman, J.M. (1994). *Why Marriages Succeed or fail*. New York. Reprinted by permission of Simon & Schuster, Inc., N.Y.240 pages.
- Gottman, J.M. (1998). Psychology and the study of marital processes. *Annual Review of Psychology*, 49:149-167
- Humbad, NM Donnellan BM, Iacono GW, McGue, Burt AS. (2010).a Is spousal similarity for personality a matter of convergence or selection? *Pers Individ Diff*, 49(7):827-30.
- Huston, P., Mc Hale, S., & Crouter, A. (1986). When the honeymoon's over: Changes in the marriage relationship over the first year. In R. Gilmour & S. Duck (Eds.), *The emerging field of personal relationships*, 106-132.
- Knudson, M., Terrell, K. (2012). Codependency, Perceived Interparental Conflict, and Substance Abuse in the Family of Origin, *Journal: American Journal of Family Therapy*, 40(3)245-257.
- Kanoy, K., Steiner, B., & Burchinal. M. (2010). Marital relationship and individual psychological characteristics that predict physical punishment of children. *Journal of Psychology*, 5(3), 319-337.
- Lemmens, Gilbert M.D.; Buysse, Ann; Heene, Els, Ivan, Demyttenaere, Koen. (2007). Marital satisfaction, conflict communication, attachment style and psychological distress in couples with a hospitalized depressed patient. *Acta Neuropsychiatrica*, 19, 2(9): 109-117.
- Lindsey, E.W., Colwell, M.G., Frabutt, G.M., & MacKinnon-Lewis, C. (2006). Family conflict in divorced and nondivorced families: Potential consequences for boys' friendship status and friendship quality. *Journal of Social and Personal Relationships*, 23(1): 45-63.
- Loughead, T.A. (1991). Additions as a process: Commonalties or codependence. *Contemporary Family Therapy*, 13: 455-470.
- Lorenz, O.F. & Wickrama, S., K.A. & Conger, D.R. & Elder, H.G. (2006).The short-term and decade-long effects of divorce on womens midlife health. *Journal of Health and social Behaviar* [NLM-MEDLINE]. 47(2):111.
- maltaby J, Day L, Mccutcheon LE, Gillett R, Houran J, Ashe DD. (2004). Personality and coping: A context for examining celebrity worship and mental health. *British Journal of Psychology*, 95: 411-428
- Mendenhall, W. (1989). Co-dependency definitions and dynamics, *Alcoholism Treatment Quarterly*, vol. 6, no. 1, pp. 3-17.

- Olson D.H, Fowers B.J. (1989). ENRICH Marital Inventory: A Discriminant Validity and Cross-Validity Assessment. *Journal Marital and family Therapy*, 15:65-79
- Parker, F.M., Faulk, D., & LoBello, S.G. (2003). Assessing codependency and family pathology in nursing students. *Journal of Addictions Nursing*, 14: 85-90.
- Qadir, F., Desilva, D., Prince, M., & Khan, M. (2005). Marital satisfaction in Pakistan: a pilot investigation. *Sexual and Relation Therapy*, 20(2), 195-209
- Reyome, ND., Ward, KS. (2007). Self-reported history of childhood maltreatment and codependency in undergraduate nursing students. *Journal of Emotional Abuse*. (7): 37-50.
- Reyomea, ND., Karen, S., Ward, B & Witkiewitzc, K. (2010). Psychosocial Variables as Mediators of the Relationship Between Childhood History of Emotional Maltreatment, Codependency, and Self-Silencing. *Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma*, 19(2): 159-179
- Shazia, N. (2008). psychological reaction to divorce of divorced women and their children. *University of Karachi*
- Schnurman, Crook., & Abrina, M. (2001). Marital quality in dual-career couples: impact of role overload and coping resources. *Unpublished Doctoral Dissertation*, Virginia Polytechnic Institute and State University
- Sprengle, H. (1982). Divorce therapy. (ED). The Harworth Press, Inc. USA
- Weeks, G.R. and Treat, S.R. (2001). Couples in Treatment: techniques and approaches for effective practice. (2nd Ed.). *Brunner-Routledge*. Taylor & Francis Group. USA.
- Subby, R. (1987). *Lost in the shuffle: the co-dependent reality*. Pompano Beach, FL: Health Communications.
- Soong-Nang, J., Kawachi, I., Chang, J., Boo, K., Shin, H., Lee, H., Cho, S. (2009). Marital status, gender, and depression: Analysis of the baseline survey of the Korean longitudinal study of ageing (klosA). *Journal of social science & Medicine*. 69: 1608-1615.
- Talwar, K., Verma, A.N., Singh, R., Sharma, V. (2011). Co-dependency and Marital Adjustment in Depression. M. Phil. *Thesis submitted to Ranchi University*, Ranchi, Jharkh and India .
- Tsai, S.L., & Wu, L. (2003). The study of relationship between adolescents' parent-child relationship and codependency. *Bulletin of Educational Psychology*, 35: 59-78.
- Trivedi, J.K., Sareen, H., & Dhyani, M. (2009). psychological aspects of widowhood and divorce. *Journal of Mens sana*. 7: 37-49.
- Watson, D., Hubbard, B., & Wiese, D. (2000). General traits of personality and affectivity as predictors of satisfaction in intimate relationships: Evidence from self- and partnerratings. *Journal of Personality*, 68: 413-449.
- Wegscheider-Cruse and Cruse. (1990). Understanding codependency. Deerfield Beach: Health ommunications, 103-105.
- Wells, M.C., Hill, M.B., Brack, G., Brack, C.J., & Firestone, E.E. (2006). Codependency's relationships to defining characteristics in college students. *Journal of College Student Psychotherapy*, 20(4): 71-84.
- Wells, M., Glickauf-Hughes, C., & Bruss, K. (1998). The relationship of co-dependency to enduring personality characteristics. *Journal of College Student Psychotherapy*, 12(3), 25-38.
- Wells, M., Glickauf-Hughes, C., & Jones, R. (1999). Codependency: A grass roots construct's relationship to shame-proneness, low self-esteem, and childhood parentification. *The American Journal of Family Therapy*, 27, 63-71.
- Whisman, M.A., Uebelacker, L.A., & Weinstock, L.M. (2007). Psychopathology and marital satisfaction: The importance of evaluating both partners. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 27: 830-838.
- Wickrama, S.K.A. & Lorenz, O.F. & Conger, D.R. & Elder, H.G. & Abraham, T.W. & Fang, A.Sh. (2006). Changes in family financial circumstance and the physical health of married and recently divorced mothers. *Social Science & Medicine* .63(1):123-136.
- Wright, P. & Wright, K. (1999). The two faces of codependent relating: A research-based perspective. *Contemporary Family Therapy: An International Journal*, 21(4): 527-544.
- Wu, C.Y., & Wu, L. (1999). Study on relationships among adolescents' perceptive experience about parental marital violence, social support and codependency in Taiwan. *Bulletin of Educational Psychology*, 31: 63-88.
- Young, ME.; Long, LL. (1998). *Counseling and therapy for couples*, Pacific Grove, CA: Brooks / Cole